

باسمه تعالی

روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای

سعید مسعودی پور*: دانشجوی دکتری مدیریت بازاریابی، گروه بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مهدی سپهری: استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ...

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۵

چکیده

یکی از خلأهای موجود در مسیر تولید علوم انسانی اسلامی را می‌توان فقدان روش‌های تحقیق کاربردی دانست که از مبانی صحیحی برخوردار باشند. با توجه به این که یکی از منابع مهم نقل‌پژوهی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای، قرآن کریم می‌باشد لذا لازم است، روش پژوهش برای تحقیقات موضوعی در قرآن تبیین شود. بر این اساس در نوشتار حاضر تلاش شد تا روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم بر مبنای تفسیر قرآن به قرآن که به عنوان بهترین شیوه تفسیر قرآن کریم شناخته می‌شود برای این نیاز ارائه شود. در ابتدا به تبیین مبانی روش تحقیق پرداخته شد و بحث‌های مبنایی در خصوص تعریف دین، نسبت میان عقل و نقل به عنوان اجزای دین، نسبت میان کتاب و سنت به عنوان اجزای نقل، دامنه نقل، رابطه میان مسایل علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی متعارف و... ارائه شد. یکی از غفلت‌هایی که در حوزه نقل‌پژوهی وجود دارد عدم برقراری تناسب میان دامنه معارف نقلی و مسایل مورد پژوهش است. این امر باعث می‌شود تا موضوعی که خارج از دامنه نقل قرار دارد بی‌جهت بر آن عرضه شود. در نهایت با بیان برخی از این نکات مهم در مواجهه با نقل، الگویی کاربردی که از هشت گام تشکیل می‌شود برای پژوهش موضوعی در قرآن کریم ارائه گردید.

کلمات کلیدی: روش تحقیق؛ تحقیق موضوعی؛ تدبر در قرآن کریم؛ تفسیر قرآن به قرآن؛ دامنه نقل

* نویسنده پاسخگو: masoodipoor@isu.ac.ir

۱- مقدمه

به طور کلی مطالعات اسلامی به واسطه حساسیت‌ها و ویژگی‌های آن، دقت نظر و توجهات خاصی را از جانب محقق می‌طلبد تا سعی نماید آنچه را که در سرانجام پژوهش به دین نسبت می‌دهد، امری متقن و سدید باشد. اما این گونه حساسیت‌ها نسبت به مطالعات تجربی و علمی کمتر است؛ چرا که «موضوع پژوهش‌های دینی، واقعیت‌ها و بایدهای ارزشی است که همه یا اکثراً واجد بار ارزشی‌اند و نسبت به سعادت انسان، موضع نفی و اثبات دارند. از این رو پژوهش‌های دینی از حساسیت خاصی برخوردارند؛ زیرا نتایج آنها به طور مستقیم با سرنوشت نهایی انسان‌ها و سعادت و کمال او در ارتباط است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸).

با توجه به نکته فوق، می‌توان یکی از خلأهای موجود در مسیر تولید علم در حوزه علوم انسانی-اسلامی و تحقیقات میان‌رشته‌ای قرآنی را فقدان روش‌های تحقیق دانست؛ به گونه‌ای که محقق بتواند بر اساس الگویی کاربردی که از مبانی محکمی نیز برخوردار باشد به پاسخی متقن از متون دینی در خصوص سؤال خویش دست یابد. روش‌های تحقیق در مطالعات علوم انسانی اسلامی باید این ظرفیت را داشته باشند که تنها منفعلانه در صدد بررسی موضوعات و مسایل برگرفته از علوم انسانی متعارف نباشند و بتوانند در نگاهی فعالانه به موضوعات بدیعی که در معارف ناب اسلامی وجود دارد، پرداخته و آنها در قالب نظریه ارائه دهند.

از آنجا که قرآن کریم اصلی‌ترین منبع دین می‌باشد، لازم است روش‌های تحقیق در قرآن تبیین و طراحی گردند. نوشتار حاضر تلاشی است برای پاسخ به این نیاز مبنایی که در دو قسمت اصلی ارائه می‌شود؛ نخست مبانی روش‌شناسی تحقیق است که این امر مستلزم طرح مباحثی چون تعریف دین، نسبت میان عقل و نقل، نسبت میان کتاب و سنت و ... است. پس از منقح شدن مبانی روش تحقیق، در بخش دوم الگویی کاربردی از روش تحقیق موضوعی در قرآن که بر مبنای رویکرد تفسیری قرآن به قرآن است، ارائه خواهد شد. روش ارائه شده در این نوشتار به پژوهشگران علوم انسانی کمک خواهد کرد تا به صورت روش‌مند به تحقیقات میان‌رشته‌ای و اسلامی بپردازند.

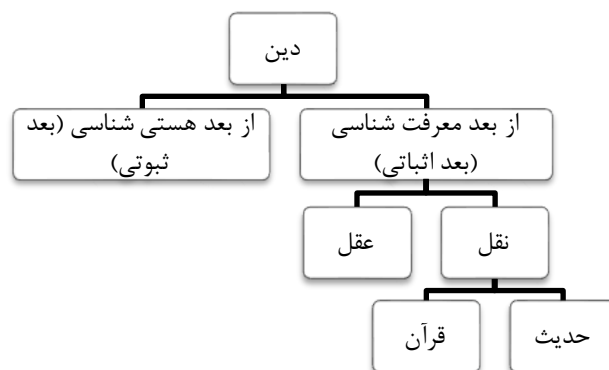
در خصوص پیشینه تحقیقات انجام شده می‌توان به مواردی اشاره کرد. پاکتچی (۱۳۹۱) در اثر خود، انواع و رویکردهای روش‌شناسی را ارائه کرده است ولی به صورت مشخص و کاربردی به شناخت یک موضوع در متون نقلی نپرداخته است. علم الهدی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود، متمرکز بر مبانی اسلامی روش تحقیق بوده است. نجات بخش و باقری (۱۳۸۸) نیز پیش از آن که در صدد بنای یک روش تحقیق کاربردی برای تحقیق در متون نقلی باشند، به دنبال مقایسه تطبیقی روش تحقیق در مدیریت اسلامی و روش تحقیق در مدیریت متعارف بوده‌اند. همچنین لطیفی (۱۳۹۰) در تحقیقی به شناسایی راهبردهای کلی در حوزه تحقیق در مدیریت اسلامی پرداخته

است. جدی‌ترین و مرتبط‌ترین پژوهش انجام شده، مربوط به لسانی و مرادی (۱۳۹۲) است که به صورت گام به گام و کاربردی یک روش تحقیق در قرآن را ارائه کرده است. اشکال جدی این پژوهش عدم تنقیح کامل مبانی روش‌شناسی تحقیق و همچنین عدم توجه به متون روایی و نقش آن در تکمیل تحقیقات قرآنی است.

۲- تعریف دین

در ابتدا مروری اجمالی بر چستی دین صورت گرفته تا در پرتو آن ضمن شناخت اجزای آن، مشخص شود که رابطه میان روش تحقیق موضوعی در قرآن با موضوع عام دین پژوهی چگونه است. تعاریف متعددی از دین اشاره شده است. آیت‌الله جوادی آملی دین را این‌گونه تعریف می‌کنند: «دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸). علامه جعفری دین را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «دین مجموعه از هست‌ها و باید‌های مستند به خداوند است که از طریق وحی و سنت معصومین (ع) برای هدایت انسان‌ها ظهور یافته است» (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۷). با توجه به تعاریف بالا، مهم‌ترین کارکرد دین رسیدن به سعادت در پرتو هدایت انسان است.

دین را می‌توان از دو بعد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مورد بررسی قرار داد. بعد هستی‌شناسی دین از منشأ پیدایش دین سؤال می‌کند و پاسخ آن است که دین مخلوق اراده و علم ازلی خداوند است و هیچ عاملی دیگری جز خدای سبحان در تدوین محتوای آن سهمی ندارد. در بعد معرفت‌شناختی دین، پرسش آن است که بشر از کجا و به چه طریق علم به محتوای دین پیدا می‌کند و می‌فهمد که به چه عقیده‌ای جزء دین و چه قانون و حکمی داخل در مجموعه آن است؟ (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۴) در نگاه دیگر می‌توان منابع دین را به دو دسته تقسیم کرد: منبع ثبوتی و منبع اثباتی. «منبع ثبوتی دین و احکام الهی، فقط اراده ذات اقدس خداست؛ اما منبع اثباتی دین که با آن اراده خدا کشف می‌شود چهارمورد است: کتاب، سنت، اجماع و عقل که بازگشت این چهار منبع به دو منبع است؛ زیرا اجماع، ذاتاً منبع اثباتی مستقل نیست، یعنی این‌طور نیست که اگر متفکران اسلامی در چیزی اتفاق کردند، صرف اتفاق آرای آنان حق و کاشف احکام الهی باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸۰). در بعد معرفت‌شناختی دین با دو موضوع عقل و نقل مواجه هستیم که نقل خود از دو جزء تشکیل شده است: قرآن و حدیث. (شکل ۱)



شکل ۱. ابعاد دین

۳- نسبت میان عقل و نقل

اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود نسبت و رابطه‌ای است که میان دو حوزه عقل و نقل به عنوان اجزای شناخت دین، قرآن و حدیث به عنوان اجزای تشکیل دهنده نقل وجود دارد. در رابطه میان عقل و نقل باید گفت که: «عقل در عرض نقل، حجت و معتبر است و جانب معرفت- شناختی دین را تحت سلطه و اشراف وحی تأمین می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۷۰). همان‌گونه که آنچه نقل به عنوان مدرک، درک می‌کند حجت دارد؛ عقل نیز چنین توانایی و ظرفیتی را دارد که کاشف از حقیقت دین باشد. بر این مبنا اشکالات و شبهاتی مبنی بر تعارض علم و دین به خودی خود رفع خواهد شد. «منشأ این توهم آن است که حوزه دین را به نقل محدود کرده و عقل را از چارچوب معرفت دینی خارج بدانیم. در این صورت تنها آنچه از ادله نقلی فهمیده می‌شود داخل در هندسه معرفت دینی بوده و آنچه توسط عقل حسی یا تجربی یا عقل تجربی به دست آید معرفت علمی و فلسفی و بی‌ارتباط با حوزه دین محسوب می‌گردد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

۴- نسبت میان کتاب و سنت

نکته بعدی که در مبانی روش تحقیق باید به آن توجه شود، نسبت میان کتاب و سنت است. بررسی نسبت و رابطه میان قرآن و روایات از این جهت مهم است که نحوه مواجهه ما با منابع نقل را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر بر مبنای نحوه ارتباط و وابستگی میان اجزای نقل، روش تحقیق بنا می‌گردد. به طور کلی رابطه میان کتاب و حدیث در طول تاریخ اسلام تا به امروز را در چهار دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد: (مه‌ریزی، ۱۳۸۲: ۴).

۱. اصالت قرآن و نفی حجیت حدیث؛

۲. اصالت حدیث و نفی حجیت ظواهر قرآن؛

۳. اصالت قرآن و حدیث؛

۴. اصالت قرآن و حجیت حدیث.

در ادامه به توضیح مختصر هر یک از چهار دیدگاه پرداخته شده و مشخص خواهد شد که مبنای قرار دادن هر رویکرد چه تاثیری در روش تحقیق موضوعی خواهد گذاشت.

۱. البته در خصوص جایگاه و نقشی که عقل می‌تواند در شناخت دین داشته باشد، نظرات متفاوتی وجود دارد که رویکرد افراطی آن را به مثابه میزان، رویکرد تفریطانه آن را به مثابه مفتاح و رویکرد میانه آن را به مثابه مصباح می‌داند. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۱ و ۵۲).

۲. نصیری این چهار دیدگاه اساسی را این گونه بر می‌شمرد: «۱) قرآن محوری ۲) سنت محوری ۳) قرآن محوری و سنت مداری ۴) دو گانه محوری» (نصیری، ۱۳۷۹: ۴۴).

۱-۴- اصالت قرآن و نفی حجیت حدیث

این دیدگاه که آن را می‌توان مترادف با قرآن محوری دانست به زمان بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) بر می‌گردد. «این دیدگاه نخستین بار توسط خلیفه دوم ابراز شد. وی هنگامی که رسول خدا (ص) قلم و کاغذ خواست تا وصیت کند، جمله حسنا کتاب الله را بر زبان راند» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۴). این تفکر ساده‌لوحانه منجر شد تا بسیاری از احادیث در قالب نوشتار برای نسل‌های بعد حفظ نگشته و آیندگان از برخی از معارف این چشمه زلال محروم گردند. بر اساس این مبنا، تمام معارف دین در حوزه نقل منحصر در معارف قرآن کریم می‌باشد.

۲-۴- اصالت حدیث و نفی حجیت ظواهر قرآن

«این دیدگاه را می‌توان به اخباری‌ها نسبت داد. آنان کوشیدند تا فهم قرآن را از غیر معصوم منتفی جلوه دهند که نتیجه‌اش اصالت بخشی به حدیث است» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۰). «اخباریان به استناد روایات متضافی که اهل بیت (ع) را به عنوان راسخان در علم و حاملان علوم قرآن معرفی کرده‌اند و با تکیه به روایاتی چون: «انما يعرف القرآن من خوطب به» مدعی شدند که قرآن نمی‌تواند برای ما آبخور فهم دینی باشد. از این رو با حذف عقل و قرآن و نیز ارجاع به سنت، تنها منبع استخراج احکام نزد اخباریان، سنت خواهد بود» (نصیری، ۱۳۷۹: ۵۱).

در واقع بخش مهمی از دلایل اخباریان حاکی از قائل شدن شأن عظیم و فوق فهم بشری برای قرآن است؛ در حالی که در بسیاری از آیات قرآن، عامه مردم را به تفکر و تدبر در آیات خویش دعوت می‌کند. بر اساس این مبنا چون ظواهر قرآن نمی‌تواند مبنای معرفتی برای انسان باشد، لذا تحقیق موضوعی در آن نیز محلی از اعراب نخواهد داشت.

۳-۴- اصالت قرآن و حدیث

این رویکرد که «دوگانه محوری» نیز نامیده می‌شود، روایات را در عرض قرآن می‌داند (نصیری، ۱۳۷۹: ۴۴).

سنت در این دیدگاه به عنوان منبعی مستقل و در عرض قرآن مطرح است و به طرق گوناگون، ایفای نقش می‌کند. کوتاه سخن این که سنت، مفسر قرآن است و مفسر می‌تواند ناسخ، مخصص، مقید، حاکم یا وارد بر مفسر باشد. از نظر تاریخی نیز می‌توان گفت اکثر صاحب‌نظران فریقین طی

۱. از جمله می‌توان به حشر ۲۱ - جائیه ۱۳ - روم ۸ اشاره کرد.

۲. با توجه به قرینه‌های لبی به نظر می‌رسد که منظور از روایات در این بحث و همین طور نظریه چهارم روایات تفسیری است. «روایات تفسیری، به آن دسته از روایات اطلاق می‌شود که به گونه‌ای در تبیین مفاد آیات قرآنی و مدالیل و مقاصد آن‌ها دخالت دارند» (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۴۴). چون روایاتی که متعرض موضوعات تجربی نظیر مسایل پزشکی و ... می‌شوند، در اصل نسبتی با قرآن ندارند که بخواهیم رابطه میان آن دو را بیان کنیم. لذا تنها روایاتی باقی می‌مانند که به نحوی سعی در تفسیر قرآن دارند. بنابراین مسئله در اینجاست که در خصوص این روایات تفسیری و قرآن کریم چگونه باید عمل کنیم؟

سده‌های متمادی آن را پذیرفته و بر اساس آن به تحقیق و پژوهش در نقل پرداخته‌اند (نصیری، ۱۳۷۹: ۷۶). «طرفداران این نظریه چنین اعتقاد دارند (۱) برخی از آیات قرآن که میزان آن هم کم نیست، جز با حدیث قابل فهم نیست. (۲) آیات قرآن با حدیث نسخ می‌شود» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۴). «بر اساس این دیدگاه، سنت در عرض قرآن می‌تواند منبع اجتهاد و استنباط احکام فقهی و نیز مآخذ استخراج نظرگاه‌های قرآن در گزاره‌های کلامی، اخلاقی و فقهی باشد. در این دیدگاه نقش سنت، نقش تکمیلی خواهد بود» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۵).

۴-۴-اصالت قرآن و حجیت حدیث

بارزترین فردی که می‌توان این نظریه را به او نسبت داد علامه طباطبایی است. ایشان قرآن را به صورت مستقیم قابل فهم و درک می‌دانند. این نظریه بر دو رکن استوار است: یکی آن که قرآن به صورت مستقل قابل فهم و تفسیر است و از این جهت وابسته و نیازمند به حدیث نیست؛ دیگر آن که حدیث حجیت دارد و در کنار قرآن در دین‌شناسی جایگاهی قابل توجه دارد (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۴). «کتاب خدا (قرآن) مآخذ اساسی هرگونه تفکر اسلامی است و اوست که مآخذ دیگر دینی را اعتبار و حجیت می‌دهد و از همین جهت باید برای همگان قابل فهم باشد. اما باید توجه داشت که قرآن کریم تنها کلیات آنها را متضمن است و روشن شدن تفصیل آنها مانند احکام نماز، روزه، داد و ستد و سایر عبادات و معاملات به مراجعه سنت متوقف است» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۸۵). «لب و جان دیدگاه ایشان این است که سنت، در طول قرآن است، نه در عرض آن. سنت، هم در اساس حجیت خود، و ام‌دار قرآن است و هم در محتوا به معارف بلند قرآن رهنمون بوده، از آن آبخور گوارا مایه می‌گیرد» (نصیری، ۱۳۷۹: ۶۰).

۵- دامنه معارف نقلی

بعد از مرور اجمالی بر مبانی اصلی نوبت به طرح این سؤال است که نقل به عنوان یک بال دین، تا کجا گسترده شده و آموزه‌های آن آیا تمام نیازهای بشری را در بر می‌گیرد یا این که حوزه آن محدود بود و پاسخ به برخی از نیازهای انسان را می‌توان از نقل انتظار داشت؟ توجه به این نکته در اینجا لازم است که چون دین مجموع نقل و عقل معرفی شد، لذا دامنه دین از مجموع برآیند

۱. به تعبیر دیگر «سنت، هم می‌تواند نقش تبیینی داشته باشد و هم می‌تواند با آوردن مطالبی نو و با قبض و بسط معارف قرآن، بر آن حکومت کند» (نصیری، ۱۳۷۹: ۷۶).

۲. البته قابل توجه است که «علامه سه دسته از آیات را از قاعده فوق استثنا کرده است: آیات درباره احکام، آیات مربوط به قصص و آیات درباره معاد. در این سه دسته، ایشان معتقد است که تفصیل آنها از خود قرآن به دست نمی‌آید و تنها راه دستیابی به آنها، روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است» (نصیری، ۱۳۷۹: ۶۷؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۶۶).

۳. بر اساس تعریف پذیرفته شده از دین که آن را مجموع نقل و عقل می‌داند، نزاع بر سر قلمرو دین بی‌معنی خواهد بود. چرا که در این صورت پاسخگویی به تمام نیازهای بشری را می‌توان از دین انتظار داشت و با این تعریف توقع

آن دو بدست می‌آید. مشخص کردن دامنه نقل می‌تواند نقشی مهم در مشخص کردن انتظار پژوهشگران داشته باشد تا بدانند در مواجهه با نقل باید به دنبال چه موضوعاتی باشند. چرا اگر اثبات شود دامنه نقل به گستردگی تمام نیازهای مادی و معنوی بشر نیست در آن صورت توقع بی‌جایی است که هر موضوعی را بدون سنجش توانایی نقل در پاسخ به آن، بی‌درنگ به نقل عرضه کنیم. به نظر می‌رسد که توقع نابه‌جا از حوزه نقل می‌تواند دو آسیب احتمالی در نقل پژوهشی به همراه داشته باشد:

۱- اگر موضوع پژوهش خارج از دامنه درست نقل تعریف شوند، معرفت بدست آمده نمی‌تواند اطمینان بخش باشد و چه بسا برداشت نادرست ما از نقل منجر به تولیدات علمی بی‌ارزش و بی‌فایده که به دین نسبت داده می‌شوند، گردد.

۲- آسیب دوم در خصوص سرخوردگی از دست‌یابی به نگاه نقل در حیطه موضوعاتی است که خارج از قلمرو نقل قرار دارند. این امر می‌تواند برای ناظر خارجی که به ادعای فرد در خصوص قلمرو وسیع‌تر نقل از آنچه باید باشد و عدم توانایی وی برای تبیین موضوعاتی که در این حیطه قرار می‌گیرند محل اشکال و شبهه واقع شده و در نهایت این که در این نزاع ممکن است کارآمدی دین را به طور کلی زیر سؤال ببرد.

به طور کلی دو رویکرد عمده در خصوص دامنه معارف نقلی وجود دارد:

۱. از رویکرد نخست به رویکرد دایره‌المعارفی یاد می‌شود. «در رویکرد دایره‌المعارفی، با اشاره به جامعیت و کمال دین [یا به عبارت بهتر نقل]، دین حاوی همه حقایق هستی و پاسخگوی همه نیازهای آدمی و مبین قوانین ثابتی که علوم مختلف در جست و جوی آن‌ها هستند، دانسته می‌شود. بر اساس این دیدگاه، یا همه حقایق و امور علمی، اعم از کلیات و جزئیات، به طور صریح در متون دینی بیان شده است» (حسینی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۰).

۲. رویکرد دوم «دیدگاه گزیده‌گویی است که در این دیدگاه دین سخنی خاص (هدایت انسان به ساحت ربوبی) برای گفتن داشته که بشر نمی‌توانسته آن را از جای دیگری بشنود و این سخن را هم به شیوه‌ای روشن و مشخص بیان کرده و گه‌گاه نیز به اقتضای بیان آن غرض اصلی، به حقایق مختلف علمی هم اشاره کرده است. در این دیدگاه اگر کسی به غرضی جز

دیگری را نمی‌توان فرض کرد. در جایی که عقل قدرت و توان ورود برای شناخت ندارد، نقل حضوری پررنگ و اثربخش دارد که موضوعات آن حیطه نقل را شکل می‌دهد. اما در موضوعاتی نظیر مسایل تجربی و علمی عقل وظیفه اصلی را بر عهده خواهد داشت؛ اگرچه نقل هم ورودی به این عرصه دارد. اما از آنجا که در تعیین قلمرو دین مجموع حیطه عقل و نقل محسوب خواهند شد، لذا به نظر می‌رسد که در این خصوص اختلاف رای نباشد؛ اگر چه ممکن است حیطه بین نقل و عقل در نظرات مختلف پس و پیش شود، اما این امر تغییری در حیطه دین به وجود نخواهد آورد.

غرض اصلی دین، دل سپرده باشد، با رجوع به قرآن نمی‌تواند از آن بهره کافی گیرد» (حسنی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۱ و ۹۲).

نقد و بررسی دو دیدگاه فوق نیازمند بررسی ادله آنهاست. از جمله دلایلی که افراد گروه نخست بیان می‌کنند این است که «قرآن تبیاناً لکل شیء است. بنابراین هر چیزی را می‌توان در آن تحقیق کرد مشروط به این که شخص محقق با آن شیئی که می‌خواهد آن را تحقیق کند، سروکار داشته باشد. برخی از موضوعات هستند که دستیابی به عنوان و کلیدواژه‌های آنها مستلزم اطلاعات خاصی است که در پرتو آنها شخص محقق ابتدا باید این قبیل اطلاعات را به هر طریقی که هست (مطالعه، مراجعه به کارشناس، تفکر و ...) باید به دست آورد، تا بتواند کلمات کلید تحقیق را تشخیص دهد. مثلاً کسی که می‌خواهد جایگاه ضبط صوت در قرآن را تحقیق کند، ابتدا باید آن را در داخل مجموعه‌های دیگری همچون اسباب منزل، وسایل الکترونیکی، رسانه و ... ببیند و با توجه به نوع استفاده، ورودی، خروجی، طرز کار و نوع ارتباطی که ضبط صوت با انسان دارد و ... رده موضوعی آن را تعیین نماید (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۲: ۴۱ و ۴۲).

به عبارت دیگر این گونه ادعا شده است که اگر محقق به درستی بتواند کلیدواژه‌های صحیح برای ورود به تحقیق موضوعی در قرآن را بدست آورد، صرف نظر از این که موضوع وی چیست، محقق قادر به تحقیق در مورد آن در قرآن است. برای تقریب ذهن فرض کنید «اگر یک پزشک کتابی در رابطه با علم پزشکی بنویسد و در آن امراض و علاج آنها را بیان نماید و در مقدمه این کتاب بنویسد من همه چیز را در این کتاب گفته‌ام، در این صورت این معنا با ملاحظه حال و مقال و قراین مقامیه و ... تعیین می‌شود. لذا ظاهر حال متکلم این است که هر چیزی که با مسایل پزشکی مربوط می‌شود مراد است. لذا در این کتاب نباید به دنبال فرمول‌های ریاضی گشت» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۴: ۱۳۴-۱۳۵).

بعد از دلایل سلبی در خصوص نظریه نخست در قلمرو دین، نوبت به بیان دلایل ایجابی در خصوص نظریه دوم است که قلمرو نقل را در حیطه هدایت می‌داند. یکی از بهترین طرق برای شناخت دامنه قرآن، رجوع به خود قرآن و بررسی دیدگاه آن در خصوص قلمرو خود است.

۱-۵- دامنه معارف قرآن از دیدگاه قرآن

هدف قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی، هدایت بشر است و قرآن در این زمینه جامعیت دارد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۴: ۱۳۶). قرآن کریم نیز در آیات متعددی به این موضوع پرداخته است. از جمله این آیات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. بحث تعیین قلمرو نقل در شکل دیگری مطرح شده است و آن دین حدأقلی و حدأکثری است که می‌توان دین حدأقلی را معادل رویکرد گزیده‌گویی و دیدگاه دین حدأکثری را با رویکرد دایره‌المعارفی یکسان دانست. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۳)

➤ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره/۲)

➤ هَذَا هُدًى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيٍّ (جاثیه/۱۱)

سایر آیاتی که در این زمینه می‌توان اشاره کرد عبارت است از: بقره آیات ۹۷ و ۱۸۵، آل عمران آیه ۱۳۸، یونس آیه ۵۷، نحل آیه ۶۴، نحل آیه ۸۹، نحل آیه ۱۰۲، نمل آیات ۱ و ۲، لقمان آیات ۲ و ۳، فصلت آیه ۴۴ و ... گذشته از این، دامنه معارف در چارچوب هدایت‌گری تنها منحصر به قرآن کریم به عنوان یکی از کتب آسمانی نیست. آیات قرآن کریم هدایت‌گری را صفت بارز و برجسته سایر کتب آسمانی معرفی می‌کند:

➤ وَ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ

هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (مائده/۴۶)

➤ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهِمْ

بَلَقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (انعام/۱۵۴)

«از جمله دیگر آیاتی که به این موضوع اشاره کرده‌اند می‌توان به این آیات اشاره کرد: مائده/

۴۴، اسراء/۲، قصص/۴۳، سجده/۲۳، انعام/۹۱ و ...»

با توجه به این توضیحات می‌توان این گونه نتیجه گرفت که اساس هدف نزول تمام کتب آسمانی و الهی موضوع هدایت انسان بوده است. البته اگر ملاحظه می‌شود که به عنوان مثال برخی از آیات قرآن کریم متعرض موضوعاتی نظیر واقعیت‌های تجربی و علمی مثل چرخش زمین به دور خورشید، زوجیت در نباتات و ... می‌شود از این باب نبوده است که هدف قرآن پرداختن به این دست از موضوعات است؛ بلکه به تناسب آیات و بحثی که مطرح می‌شده است شاهد مثالی از آفرینش ذکر می‌شده است تا خود این نیز باعث تفکر انسان در عالم خلقت و در نهایت هدایت او گردد. بعد از مشخص شدن دامنه معارف قرآن لازم است تأثیر دو دیدگاه اصالت قرآن و حدیث و اصالت قرآن و حجیت حدیث در دامنه نقل مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۵- تفاوت دو دیدگاه اصالت قرآن و حدیث و اصالت قرآن و حجیت حدیث در

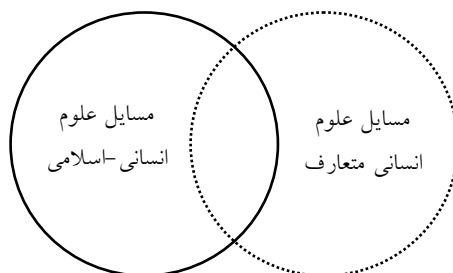
دامنه نقل

بر مبنای رابطه میان قرآن و حدیث همچنین توقع و انتظاری که از حدیث داریم، به بررسی حیطة و قلمرو حدیث باید پرداخت. در رویکرد سوم که اصالت را به قرآن و سنت می‌دهد، شناخت دامنه نقل از برآیند شناخت دامنه قرآن و شناخت دامنه سنت بدست خواهد آمد. چون فرض بر این است که سنت می‌تواند در کنار قرآن قرار گرفته و بر دامنه معارف نقلی بیفزاید. اما در رویکرد چهارم از آنجایی که اصالت با قرآن است و سنت تنها تبیین‌کننده و توضیح‌دهنده معارف قرآنی است و توانایی توسعه دامنه معارف نقلی را ندارد، لذا برای شناخت دامنه معارف نقلی در این رویکرد، بررسی دامنه معارفی که کتاب خدا ارائه می‌کند کافی است. بنابراین با توجه

به رویکرد اصالت قرآن و حجیت حدیث، دامنه معارف نقل همان دامنه معارف قرآن خواهد بود و روایت نمی‌تواند آن را قبض و بسط دهد.

۶- رابطه میان موضوعات و مسایل علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی متعارف

در این قسمت لازم است توضیحی در باب مسایل و موضوعات بین حوزه متعارف در علوم انسانی (مثل اقتصاد متعارف، مدیریت متعارف و ...) و مباحث حوزه علوم انسانی-اسلامی (مثل اقتصاد اسلامی، مدیریت اسلامی و ...) بیان شود. به طور کلی می‌توان رابطه میان این دو را عموم و خصوص من وجه دانست. بدون این که بخواهیم حد و مرزی یا بزرگی و کوچکی برای هر یک از این حوزه‌ها تعیین کنیم، باید بگوییم که برخی از موضوعات در حیطه علوم انسانی متعارف وجود دارد که از منظر اسلامی به رسمیت شمرده نمی‌شوند که خارج از حیطه مسایل موضوعات اسلامی است. از سوی دیگر برخی از موضوعات وجود دارند که تنها در حیطه مسایل علوم انسانی-اسلامی به رسمیت شمرده می‌شوند. در این قسمت هدف بررسی رویکردهای غالب در مواجهه با نقل در هر یک از سه حیطه احصا شده در رابطه و نسبت میان موضوعات و مسایل علوم انسانی متعارف و علوم انسانی-اسلامی است.



شکل ۲. رابطه میان مسایل علوم انسانی متعارف و علوم انسانی-اسلامی

۱. با توجه به این که رویکرد مختار این نوشتار، اصالت قرآن و حجیت حدیث است، دامنه نقل همان دامنه کتاب بوده و نگارنده را مستغنی از بررسی دامنه حدیث می‌کند.
۲. همان طور که پیش از این نیز ذکر شد، یکی از حوزه‌هایی که در مطالعات میان‌رشته‌ای مورد توجه کمتری واقع می‌شود، مسایل و موضوعاتی است که از تنها از منظر اسلامی به رسمیت شمرده می‌شود. در حالی که اتخاذ رویکرد فعالانه در تولید علوم انسانی اسلامی، مستلزم توجه به این حیطه است. بر این اساس غالب تحقیقات حتی در حوزه روش‌شناسی، تنها ارائه‌دهنده الگویی هستند که مسایل متعارف را از منظر اسلامی مورد بررسی قرار دهند. به عنوان مثال لطیفی در پژوهشی اقدام به احصای راهبردهای تدبیر در قرآن کریم پرداخته و در نهایت در ذیل راهبرد مختار وی که راهبرد مسئله محور است می‌نویسد: «این راهبرد، مقید به آیه، سیاق، سوره و حتی داستان‌های قرآن نیست بلکه مقید به مسئله‌هایی است که محقق آنها را از ادبیات تحقق در دانش مدیریت، استخراج و منقح کرده است» (لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۵).

از آنجا که در نقل پژوهی، پژوهشگر با متن مواجه است، لذا «در امر تفسیر متن و فهم معنا یا معانی یک متن، لازم است میان سه سطح تمیز قائل شویم. از این سه سطح تحت عنوان‌های نطق (سخن متن)، استنطاق (سخن برآوردن از متن) و انطاق (سخن درآوردن در متن) یاد شده است - (باقری، ۱۳۸۲: ۹۱). در سطح نطق «هم سؤال و هم جواب از سوی مؤلف یا متن مطرح می‌شود. با توجه به ویژگی‌های این سطح باید گفت معنای متن در این سطح از وضوح برخوردار است. در این سطح معنا آن چیزی است که مؤلف یا متن، در نظر دارد آن را به مخاطب انتقال دهد. از این رو در این سطح، این پرسش مطرح می‌شود که متن چه معنایی را انتقال می‌دهد؟ این پرسش حاکی از آن است که متن، معنای مشخصی را به صورت بالفعل انتقال می‌دهد.

در سطح دوم، تفسیر و تأویل با معانی پنهان، ضمنی و مبهم متن سر و کار دارد. در این حالت متن چون موجودی است که قابلیت‌های خاصی دارد. مفهوم قابلیت به خصیصه‌ای از یک موجود اشاره دارد که ظاهر و آشکار نیست، اما به صورت پنهان در آن ریشه دارد و در شرایط معینی آشکار می‌شود» (باقری، ۱۳۸۲: ۹۲).

لذا اگر چه سؤال از طرف مخاطب است، اما پاسخ از جانب متن خواهد بود و به عبارت دیگر مخاطب با طرح سؤال از متن سعی می‌کند آن را به نطق و سخن درآورد. این شیوه مواجهه با متن به این دلیل است که «یک متن ممکن است با سپری شدن زمان و ظهور شرایط زمانی و فرهنگی نوین، در برابر سؤال‌های جدیدی قرار گیرد که در زمان تدوین خود متن مطرح نبوده‌اند. در این سطح پرسش هرمنوتیکی چنین صورتی دارد: متن چه معنایی را می‌تواند انتقال دهد؟ این سؤال حاکی از آن است که متن، معنای معینی را به صورت بالقوه در خود داشته است و می‌تواند آن را انتقال دهد» (باقری، ۱۳۸۲: ۹۳).

سطح سوم که انطاق نامیده می‌شود، تفسیری غیرواقعی از متن ارائه می‌کند. «در این سطح مخاطب است که می‌خواهد بر حسب حال و وضع خویش، معنایی را در متن داخل کند؛ معنایی که مؤلف یا مولد متن، آن را به صورت صریح، ضمنی یا پنهان، لحاظ نکرده است» (باقری، ۱۳۸۲: ۹۴). به عبارت دیگر «در این سطح سؤال و جواب هر دو از سوی خواننده متن مطرح می‌شود و متن تنها محمل این سؤال و جواب است» (باقری، ۱۳۸۲: ۹۴ و ۹۵). تفسیر به رأی نامی است که بر این گونه مواجهه با قرآن کریم گذاشته شده است.

۱. باید توجه داشت که «تفسیر به رأی، صرفاً تفسیری نیست که با معنای واقعی متون دینی ناسازگار باشد؛ بلکه ممکن است تفسیر در عین مطابقت با واقع، تفسیر به رأی به شمار آید. بنابراین ملاک صحت و عدم صحت تفسیر متن دینی، رسیدن یا نرسیدن به معنای واقعی متن نیست، بلکه ملاک، روشی است که در فهم متن به کار گرفته می‌شود. هرگاه مفسر از قبل رأیی را برگزیند و بدون در نظر گرفتن قواعد و ضوابط فهم یک متن، آن را بر اساس رأی مزبور تفسیر کند، این روش او تفسیر به رأی است، هر چند به صورت اتفاقی رأی او با معنای مقصود متن هماهنگ باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۲۴).

بعد از این مقدمه مجدداً به سراغ نسبت میان موضوعات و مسایل حوزه متعارف علوم انسانی و حوزه علوم انسانی اسلامی می‌رویم. موضوعات و مسایلی که تنها از منظر اسلامی به رسمیت شمرده می‌شوند را می‌توان معادل با تحقیقاتی دانست که جزء رویکرد نطق در خصوص نقل به حساب می‌آیند. اما قسمت مشترک موضوعاتی است که هم از منظر علوم انسانی متعارف و هم از منظر علوم انسانی-اسلامی به رسمیت شمرده می‌شوند، جزء حوزه استنتاج در مورد نقل به حساب می‌آیند.

۷- نحوه مواجهه محقق با نقل در تحقیق موضوعی: خالی از پرسش یا انباشته از آن؟

آخرین نکته‌ای که در اینجا به عنوان مقدمه برای ورود به تبیین گام به گام روش تحقیق به آن اشاره می‌شود این مسأله است که برای پژوهش موضوعی در حیطه نقل بهتر است که با ذهن خالی و بدون پیش فرض در خصوص آن مسأله و موضوع به نقل مراجعه شود یا این که ذهن را انباشته از سؤال نموده و آن‌گاه به سراغ نقل برویم. ضرورت توجه به این موضوع در تحقیقاتی که در حوزه مشترک میان مسایل و موضوعات علوم انسانی متعارف و علوم انسانی-اسلامی وجود دارد، لازم است. چرا که سؤال در این حوزه برآمده از مطالعه تولیدات غربی است. کارکرد پاسخ‌گویی به این پرسش در این است که پژوهشگر آیا بهتر است قبل از رو به رو شدن با نقل و گرفتن پاسخ اقدام به بررسی و آشنایی با تولیدات غربی نماید یا این که تنها اصل مسأله و موضوع را از آن‌ها گرفته و بدون این که بخواهد آنها را مطالعه کند با نقل روبه رو شود؟

به عنوان مثال «محمد باقر صدر بر این باور است که مفسر باید ابتدا خود را در میدان منازعات فکری و تجارب علمی بشر بیفکند و نسیم آرای مختلف عصر از هر سو بر او بوزد؛ آن‌گاه با کوله

۱. البته باید توجه داشت که به طور دقیق نمی‌توان نحوه مواجهه با متن را بر اساس مطلب ذکر شده خط‌کشی کرد. مطلب فوق بیان‌گر وجه غالبی است که محقق بر اساس این که مسأله تحقیق او در کدام ناحیه قرار می‌گیرد با نقل باید روبه رو شود.

۲. اگر چه چنین امری در عمل غیرممکن است. منظور از خالی‌الذهن بودن یعنی نانباشتگی ذهن از معلومات و اطلاعات در خصوص حیطه موضوعی مورد مطالعه. برای مثال اگر در قلمرو مدیریت فرد قصد پژوهش قرآنی دارد و موضوع مورد مطالعه وی در حوزه نطق واقع می‌شود بهتر است بدون مطالعه و انباشتگی ذهن از مباحث مطرح شده در مدیریت متعارف با نقل رو به رو شود.

۳. درضمن باید توجه داشت که منظور از انباشتگی ذهن، آماده کردن پاسخ قبل از مواجهه با نقل و تحمیل آن به متن نیست. چرا که چنین مواجهه‌ای تفسیر به رأی و مطرود است. «شرط استفاده از قرآن این است که انسان با اصول پیش ساخته و پیش فرض‌های بشری به خدمت قرآن نیاید تا قرآن را مهمان اصول موضوعه خود قرار دهد و آن‌ها را بر قرآن تحمیل کند. البته دانش‌های قبلی می‌تواند ظرفیت فکری اندیش‌وران را توسعه دهد و به عنوان میدانی قابل محسوب گردد، نه به عنوان مبدأ فاعلی تا باعث دگرگونی در تفسیر قرآن شود» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۶۰).

باری از تجارب بشری و پرسش‌هایی که اندیشه‌های بشر در انداخته است، رو در روی قرآن بایستد و با ذهنی پر از مسایل و به تعامل با قرآن پردازد» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۸۳).

اما پاسخ دقیق‌تر به این موضوع می‌توان این باشد که حوزه‌هایی که هدف نطق و دریافت نظر قرآن در خصوص مسأله‌ای است، با توجه به این که این موضوع از منظر علوم انسانی متعارف به رسمیت شمرده نمی‌شود، لذا اساساً مورد سؤال این حیطه قرار نمی‌گیرد. ضمن این که چون هدف دریافت نظر خالص نقل است، بهتر است بدون پیش فرض با نقل روبه رو شد. اما در حوزه دوم چون هدف دریافت پاسخ نقل در خصوص موضوعات و مسایل مشترک بین هر دو حیطه علوم انسانی متعارف و علوم انسانی-اسلامی است، بهتر این است که با پرسش و اطلاع از پاسخ‌های علوم انسانی متعارف به این مسایل و اشکالات آن سراغ نقل برویم. البته روشن است در این قسمت رویکرد نطق کارآمد نبوده و باید از روش‌های حوزه استنطاق بهره گرفت تا نقل به سخن آمده و پاسخ موضوع جدیدی که به آن عرضه می‌شود را ارائه کند.

حال که تا حدودی مبانی روش تحقیق شکل گرفت به تبیین روش تحقیق می‌پردازیم.

۸- روش تحقیق موضوعی در نقل

پرسشی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که چگونه و بر اساس چه الگویی باید اقدام به پژوهش موضوعی در قرآن کریم نمود؟ در این نوشتار برای تحقیق موضوعی در قرآن، تحقیق موضوعی با رویکرد قرآن به قرآن به عنوان بهترین رویکرد برای تحقیق موضوعی در قرآن کریم پیشنهاد شده است.

در ادامه توضیحی در خصوص این روش تحقیق قرآنی منتخب ارائه خواهد شد و سپس در ادامه به بیان جایگاه حدیث در هر یک از دو رویکرد اصالت قرآن و حدیث و اصالت قرآن و حجیت حدیث پرداخته خواهد شد. در نهایت با در نظر گرفتن مبنای منتخب، به صورت عملیاتی و کاربردی گام‌های اجرایی روش تحقیق موضوعی در قرآن و حدیث ارائه خواهد شد.

۸-۱- روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن

روش تحقیق موضوعی پیشنهاد شده در این نوشتار بر مبنای دو روش تفسیری قرآن به قرآن و روش تفسیر موضوعی قرآن کریم است. نخست ذکر این نکته ضروری است که اگر چه روش تحقیق حاضر بر مبنای روش‌های تفسیری قرآن استوار است، اما از جنس تفسیر نخواهد بود، بلکه

۱. اگر چه در عمل و حین انجام پژوهش (در هنگام مواجهه فرد با آیات قرآن) محقق معمولاً از ترکیبی از دو حوزه نطق و استنطاق بهره می‌گیرد. منظور از جدا کردن این دو حوزه از یکدیگر شناخت بهتر وجه غالب مواجهه محقق با نقل در هر یک از حیطه‌های موضوعی است، نه این که تنها روش منحصر به روش یاد شده است.

۲. لازم به یادآوری است که حیطه موضوعات قابل ارائه به نقل، باید در قلمرو آن باشد؛ نه صرف این که هر موضوعی در علوم انسانی متعارف مطرح بود یا حتی جزء موضوعات مشترک بود، بلافاصله آن را به نقل عرضه کرده و منتظر پاسخ باشیم. چرا که ممکن است برخی از مسایل مشترک از حیطه نقل نبوده و در حیطه عقل قرار گیرد.

از جنس تحقیق موضوعی در قرآن است. انجام کار تفسیری نیازمند به مقدماتی که از جمله آنها می‌توان به علوم ادبی، علوم بلاغی، علوم قرآن، علوم استنباط معرفتی، علوم حدیث و ... اشاره کرد. البته تحقیق موضوعی نیازمند به تفسیر (چه موضوعی و چه ترتیبی) است و بر اساس آن است که در نهایت باید پرسش‌های بی‌پاسخ در حین فرآیند تحقیق پاسخ داده شود.

اتفاقی که در تفسیر موضوعی و به تبع آن در تحقیق موضوعی رخ می‌دهد، احصای آیاتی خاص است که ارتباط معنایی با موضوع مورد بررسی را دارند. «متقدمین به طور عمدیه برای تناسب آیات در داخل سوره موضوعیت قایل بودند و با این مسأله موافق نبودند که آیه‌ای را از سوره‌ای جدا کنیم و به همراه چند آیه دیگر از سوره‌های قرآن که معلوم نیست در چه سیاقی قرار گرفته و قبل و بعدش چه بوده است، بگذاریم و سپس بخواهیم یک تفسیر کلی از مجموع آنها بفهمیم. لذا در عصر کلاسیک نسبت به تفسیر موضوعی مشکل تئوریک وجود داشته و این کار را غیر اصولی و از مصادیق تفسیر نادرست می‌دانستند» (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۶۲). اما از آنجا که «آنچه تعیین کننده نوع تفاسیر می‌باشد، نوع نیاز مختلف هر عصر است» (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۶۱). کم‌کم تفسیر موضوعی جای خود را در میان شیوه‌های تفسیر قرآن کریم پیدا کرد.

تفسیر موضوعی اگر چه روالی متفاوت از تفسیر ترتیبی دارد، اما این به معنای عدم استفاده از تفاسیر ترتیبی در روش تفسیر موضوعی نیست. «روش موضوعی بدون پشتوانه و تکیه‌گاه تفسیر ترتیبی، صورت بی‌محتواست و استغنا تفسیر موضوعی در گردآوری مواد خام از تفسیر ترتیبی به معنای تهی شدن و استحاله آن است و مفسر موضوعی در درک آیات گزیده و دریافت مدلول-های آنها با در نظر گرفتن جغرافیای تک تک آنها همواره دست به دامن روش ترتیبی است و دست نیاز به تفسیر ترتیبی در کنار تفسیر موضوعی هم‌چنان پاینده و حیاتی است» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۵۷).

تفسیر موضوعی فراتر از جمع‌آوری تعدادی آیه از قرآن در ذیل یک موضوع مشترک است. در واقع اگرچه شروع تفسیر موضوعی با احصای آیات مرتبط با موضوع مدنظر است، اما روش کار محدود به این نیست. «تفسیر موضوعی گردآوری فهم هاست. در تفسیر موضوعی، این فهم‌ها هستند که کنار هم گرد می‌آیند و آیات نیستند. ظاهر امر این است که آیات از لحاظ موضوع متشابه هستند در کنار هم گرد آمده‌اند. اگر فهمی از آیات نداشته باشیم، گزینش آیه‌ای از میان آیات بی‌معنا و مبنا خواهد شد. بنابراین، در مقام گردآوری به فهمی از آیات احتیاج داریم که امر گردآوری و گزینش ما را میسر می‌گرداند و نیز نیازمند تئوری‌ای هستیم که آیات در پناه آن گرد هم آیند و در واقع، تفسیر موضوعی کنار هم آمدن فهم‌های ما از آیات در پرتو یک تئوری است» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۷۸-۷۹). ضمن این که باید توجه داشت در تفسیر موضوعی، آیات احصا شده، در سیاق خود مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ رابطه آیات با جغرافیای خود قطع نمی‌شود و آن‌ها را بدون توجه به سایر آیات اطراف آن مورد توجه قرار نمی‌دهند.

اما اصطلاح دیگری که باید قدری تبیین شود، تفسیر قرآن به قرآن به عنوان رویکرد مختار برای تحقیق موضوعی است. «تفسیر قرآن به قرآن، از روش‌های مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان از صدر اسلام تا کنون بوده است و برخی آن را اولین روش در تفسیر به شمار می‌آورند؛ چرا که در تفسیر قرآن، پیش از هر چیز دیگر باید از خود قرآن، تفسیر آن را بخوانیم. این روش که از عصر معصومان مورد استفاده و استناد بوده است، کارآمدترین شیوه تفسیری قرآن است» (فتحی، ۱۳۸۸: ۲۰).

برای روشن شدن جایگاه و اهمیت این شیوه تفسیر باید گفت که «روش تفسیر قرآن به قرآن تنها روش ائمه است» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۸۶). در روش تحقیق پیشنهاد شده، محقق باید سعی نماید آیات قرآن را در کنار هم قرار داده و به وسیله آن‌ها معنای آیات را تبیین کند. اقسام روش‌های تفسیر قرآن به قرآن در کتب مختلف بیان شده است که آشنایی با آنها می‌تواند توانمندی محقق را در استفاده از قرآن برای فهم قرآن افزایش دهد.

۲-۸- مراحل و گام‌های روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن

در این قسمت با توجه به مبانی بیان شده در قسمت‌های قبل به صورت عملیاتی و کاربردی گام‌های روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم و با استفاده از رویکرد تفسیر قرآن به قرآن و دیدگاه منتخب در رابطه با نسبت میان قرآن و حدیث (اصالت قرآن و حجیت حدیث) بیان می‌شود. خلاصه این گام‌ها عبارت است از:

۱- تحدید و مشخص نمودن موضوع تحقیق؛

۲- مشخص نمودن کلیدواژه‌های مناسب برای احصای اولیه آیات؛

در این قسمت باید توجه شود که آیا احصای آیات مرتبط با موضوع از طریق انتخاب کلیدواژه‌های مرتبط میسر است یا خیر؟ در صورتی که این امر ممکن نباشد، می‌بایست از طریق دیگری آیات مرتبط با موضوع احصا شوند. برای مثال ممکن است محقق اقدام به بررسی کل آیات قرآن در رابطه با موضوع تحقیق خود کند. مواجهه محقق با آیات قرآن و در نظر گرفتن پرسش، خود باعث می‌شود که متنی که به نظر ساکت می‌رسد در مقابل پرسش محقق به سخن آید. به عنوان مثال شهید مطهری در کتاب "آزادی معنوی" سعی می‌کند به تبیین مفهوم آزادی از نگاه اسلام پرداخته و برای تبیین مفهوم آزادی اجتماعی به آیه ۶۴ سوره آل عمران اشاره می‌کنند (رجوع کنید به (مطهری، ۱۳۷۳). در حالی که در این آیه هیچ کلیدواژه‌ای که مرتبط با موضوع باشد دیده نمی‌شود. چون اگر قرار بود بر مبنای کلیدواژه بحث دنبال می‌شد، می‌بایست از ریشه "حریت" کلمات جستجو می‌شد؛ در حالی که هیچ کلمه‌ای از این ریشه در قرآن کریم وجود ندارد.

۱. برای نمونه مراجعه کنید به (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۱۱-۱۲۶).

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان به کلیدواژه مناسب برای انجام تحقیق موضوعی در قرآن دست یافت؟ به نظر می‌رسد پنج روش زیر می‌تواند پاسخ این سؤال باشد:

۱. استفاده از نظر صاحب‌نظران و خبرگان؛
۲. استفاده از معجم و لغت‌نامه عربی؛
۳. استفاده از کتاب فرهنگ قرآن؛
۴. استفاده از کلیدواژه‌هایی که از آیات احصا شده اولیه به دست می‌آید؛
۵. نکاتی که مفسران در ذیل تفسیر آیات احصا شده آورده‌اند.

در توضیح روش چهارم باید گفت که از آنجایی که روش تحقیق موضوعی معرفی شده در این نوشتار، حالت رفت و برگشتی دارد، لذا این‌گونه نخواهد بود که محقق بتواند با یک مرحله جمع‌آوری آیات و روایات کار را به شکل کامل به انجام برساند. لذا لازم است در مسیر تحقیق و با توجه به بازخوردهایی که دریافت می‌کند، اقدام به احصا و بررسی آیات و روایات دیگری نماید. غالباً این‌گونه است که کلیدواژه‌های دیگر، از سیاق آیاتی که احصا شده است بدست می‌آید، خود آیات به تنهایی نمی‌توانند. عمده دلیل هم این است که در آیات مجاور، کلماتی که ارتباط معنایی با آیه داشته باشند به کار می‌رود و همین موضوع می‌تواند راه‌گشایی برای وسعت بخشیدن به دامنه واژگان کلیدی تحقیق باشد. هم‌چنین در روش پنجم زمانی که محقق بر مبنای کلیدواژه‌ای جلو رفته و به مرحله مراجعه به تفسیر رسیده است، مشاهده می‌کند که مفسران به مفاهیم مرتبط دیگری اشاره کرده‌اند که می‌تواند خود به عنوان کلیدواژه‌ای دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

۳- احصای آیات از ریشه مدنظر و تعیین سیاق آنها: در این گام برای احصای آیات مرتبط می‌توان از کتب کشف‌الآیات استفاده کرد. راه بهتر و آسان‌تر استفاده از نرم‌افزارهای قرآنی که امکان جست و جوی کلمات یا ریشه آنها در قرآن را می‌دهد. بعد از احصای اولیه آیات، در

۱. هاشمی رفسنجانی اکبر، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۲. حالت رفت و برگشتی به این معناست که برخلاف آنچه که غالب در روش‌شناسی‌های کمی متداول است و محقق در آنها با یک مرحله جمع‌آوری اطلاعات سراغ تحلیل می‌رود، در روش‌های کیفی (که روش تحقیق موضوعی در نقل نیز از آن جمله است) جمع‌آوری داده و اطلاعات لازم برای تحلیل در یک مرحله صورت نمی‌پذیرد و محقق بعد از جمع‌آوری اطلاعات اولیه و تحلیل آنها، مجدداً اقدام به جمع‌آوری داده نموده و این حالت رفت و برگشتی تا جایی ادامه پیدا می‌کند تا اطلاعات جدید دیگری اضافه نشود (رسیدن به اشباع نظری). در روش تحقیق موضوعی در نقل، در دو مرحله حالت رفت و برگشتی قابل فرض است. مرحله اول در احصای کلیدواژه‌هاست که با توجه به آیات اولیه احصا شده و ربط و نسبت معنایی که بین کلمات در آیات احصا شده دیده می‌شود، اقدام به کشف کلیدواژه‌های جدید نمود. مرحله دوم در تشکیل شبکه مفهومی است. به معنا که در توسعه لایه‌های شبکه مفهومی می‌توان مفاهیم بدست آمده را مجدداً مورد بررسی قرار داد تا ضمن توسعه شبکه مفهومی، ابعاد بیشتری از موضوع یا مسئله مورد تحقیق تبیین گردد.

صورتی که از ریشه کلمه به عنوان کلیدواژه استفاده شده باشد، ممکن است برخی از آیات احصا شده مرتبط با موضوع نباشند که باید کنار گذاشته شوند. برای مثال برای احصای آیاتی که کلمه انفاق در آنها به کار رفته است در صورتی که از ریشه آن یعنی نفق استفاده شود، برخی از آیات احصا شده در مورد منافقان خواهند بود. بعد از احصای آیات و پالایش اولیه از لحاظ ارتباط معنایی ریشه با کلمه مدنظر، لازم است تا آیات سیاق هر یک از آنها تعیین و احصا شود.

۴- قرائت مکرر آیات احصا شده و یادداشت نکات تدبری و یا سؤالات پیش آمده در رابطه با آیه: در گام بعدی تمرکز اصلی تنها بر خود آیات است. در این مرحله محقق اقدام به قرائت مکرر آیات نموده و سعی می‌کند از نگاه مسأله مد نظر خود، نکاتی را از قرآن استخراج کند. ممکن است در حین تدبر سؤالاتی در خصوص آیه (مثلاً علت تقدم و تأخر کلمات، علت استفاده یا عدم استفاده از کلماتی، ...) برای محقق ایجاد شود که این پرسش‌ها نیز باید یادداشت شوند. وجه غالب محقق بر مبنای رویکرد نطق یا استنطاق که پیش‌تر به آن اشاره شد، در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد.

۵- مطالعه آیات در رکوعاتشان و تصحیح یا اضافه نمودن نکات: در این گام آیات را توجه به سیاق خود مورد بررسی قرار گرفته و نکات تدبری یا سؤالات نیز مانند مرحله قبل یادداشت می‌شوند. ممکن است لازم باشد که علاوه بر سیاق خود آیه، سیاق‌های بعدی یا قبلی نیز مورد بررسی قرار گیرند.

۶- شکل‌گیری مدل اولیه: در نهایت با اتمام گام پنجم محقق باید سعی کند تا موضوعات و کدهای استخراج شده خود را در قالبی منظم و دسته‌بندی شده قرار داده و مدل اولیه خود را شکل دهد. رویکرد تفسیر قرآن به قرآن در گام پنجم و ششم باید مورد توجه قرار گیرد. به این معنی که در تحقیق موضوعی محقق باید سعی کند تا آیات قرآن را با کنار هم قرار دادن معنا کند. هم‌چنین زمانی که مفاهیم و موضوعات مرتبط با موضوع را شناسایی نمود اقدام به احصای آیات از همان مفهوم نموده و سعی کند یک شبکه مفهومی شکل دهد.

۷- مراجعه به تفاسیر معتبر و عرضه نکات برای اصلاح یا اضافه نمودن نکات جدید و یافتن پاسخ پرسش‌ها: بعد از مرحله تدبری، لازم است تا با مراجعه به تفاسیر معتبر نکات به‌دست آمده به تفاسیر عرضه شود تا مشخص شود که آیا تدبر صورت گرفته مقبول است یا خیر؟ هم‌چنین پرسش‌هایی که در حین تدبر یادداشت شده پاسخ داده شده و نکات جدیدی که از مطالعه تفاسیر به‌دست می‌آید نیز یادداشت می‌شوند. تفاسیر المیزان و تسنیم که بر مبنای روش تفسیر قرآن به قرآن به نگارش درآمده‌اند، در اولویت قرار دارند.

۱. در کتاب جمله‌شناسی قرآن با تکیه بر تقدیم و تأخیر عبارات، تقدم و تأخر در برخی از آیات مورد بررسی قرار گرفته است (توحیدلو، ۱۳۸۹).

۸- طراحی مدل نهایی از منظر قرآن کریم: در گام آخر اقدام به دسته‌بندی، نظم‌دهی و ساختاردهی به نکات استخراج شده در قالب مدل و انجام اصلاحات لازم در مدل اولیه نموده تا در نهایت مدل نهایی از منظر قرآن کریم بدست آید.

هدف از شبکه مفهومی، بسط دامنه مفاهیم اصلی مدل به گونه‌ای است که فهم و معرفت بیشتری حاصل شود. برای این کار بعد از طراحی مدل اصلی و روابط میان اجزای آن، می‌توان هر یک از اجزا را به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار داد تا با توضیح بیشتر آن‌ها، ربط و نسبت آن جزء در مدل مفهومی طراحی شده بهتر مشخص شود. برای این که منظور از شبکه مفهومی ملموس‌تر شود مثالی در این خصوص ذکر می‌شود. به فرض با بررسی آیات قرآن کریم در خصوص رزق، مشخص شد که یکی از ابعاد مدل، وظایف مرزوقین در برابر رزقی که دریافت می‌کنند می‌باشد که یکی از آن‌ها شکرگزاری است. اگر کار در این جا متوقف شود، سطح اول مدل طراحی شده است. اما می‌توان برای توسعه مدل و طراحی لایه بعدی شبکه مفهومی، کلیدواژه شکر در قرآن را مورد بررسی قرار داد و مشخص نمود که چه ربط و نسبتی میان این مفهوم و موضوع تحقیق وجود دارد.

البته روشن است این کار را می‌توانیم تا آن جا تکرار کنیم که رابطه میان تمام موضوعات قرآنی از نگاه موضوع مورد بحث مشخص شود و از آنجا که این فعالیت زمان بر است، به نظر می‌رسد که اگر بتوان یک یا دو حلقه مفهومی را شناسایی کرد، چارچوب کلی موضوع از منظر قرآن شکل گرفته است. در ضمن باید توجه داشت که یافته‌های بدست آمده در بستر موضوع مورد پژوهش ممکن است متفاوت باشد. به عنوان مثال موضوع عدالت یک بار در بستر این موضوع که یکی از اهداف انبیاء و حکومت الهی برقرار عدالت است مورد بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر این مفهوم مرتبط با مقوله امانت شناسایی شود. (برای مشاهده یک نمونه پژوهشی رجوع کنید به (جوانعلی آذر، ۱۳۸۹).

۱. برای ملاحظه نمونه کاربردی از تحقیقات صورت گرفته بر اساس روش تحقیق ارائه شده مراجعه کنید به - (مسعودی پور، ۱۳۹۰)

۲. آیت‌الله مکارم شیرازی این نوع نگاه به تفسیر قرآن را نیز مد نظر داشته و این گونه می‌نویسند: «نوعی دیگر از تفسیر که ما نامش را تفسیر ارتباطی یا زنجیره‌ای نهادیم آن است که موضوعات مختلف را در ارتباط با یکدیگر ببینیم. به عنوان مثال بعد از آن که موضوع ایمان و موضوع تقوی و موضوع عمل صالح را به طور جداگانه در تفسیر مورد بررسی قرار گرفت، این سه مطلب را در ارتباط با یکدیگر توجه به آیات قرآن و اشاراتی که در آن است تفسیر می‌کند و ارتباط این سه را با یکدیگر روشن می‌سازد و به صورت قطع در این صورت حقایق تازه‌ای از چگونگی رابطه این موضوعات با یکدیگر برای ما کشف می‌شود که بسیار ارزنده و راهگشا است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۸: ۱۹ و ۱۸).

۹- جایگاه حدیث در روش نقل پژوهی موضوعی

مدل بدست آمده تا اینجای تحقیق نشان دهنده نگاه قرآن به موضوع می‌باشد. اما باید توجه داشت که «معرفت نسبت به دین و شناخت از اسلام زمانی شکل می‌گیرد که همه منابع معرفتی آن در کنار هم و با هم ملحوظ شوند، بنابراین کسی مجاز نیست که به صرف مراجعه به همه قرآن در مسأله‌ای مدعی شود که دین و اسلام چنین می‌گوید چه برسد به این که بخواهد با انتخاب یک یا دو آیه، نظر اسلام را درباره مطلبی بیان کند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۷۲). بر این اساس بررسی روایات جزء تکمیل‌کننده پژوهش خواهد بود.

جایگاه حدیث در روش نقل پژوهی متأثر از رابطه و نسبت میان کتاب و حدیث است. مهم‌ترین کارکرد در نظر گرفتن مبنا در خصوص رابطه میان حدیث و کتاب، مشخص شدن این مسأله است که موضوعات و مفاهیم به دست آمده باید بر اساس چه منطقی در شبکه مفهومی قرار داده شود و ارتباط میان مفاهیم حاصل از کتاب و سنت چگونه است.

اگر مبنای پژوهش رویکرد اصالت قرآن و حجیت حدیث باشد، در آن صورت آن‌چه از مطالعه حدیثی به دست می‌آید تبیین‌کننده ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مدل است. به عبارت دیگر، حدیث در صورتی که متعارض با قرآن نباشد، یا در مقام توضیح بیشتر مفاهیم قرآن می‌باشد یا در مقام بیان مصداق است. اما در این دیدگاه روایت نمی‌تواند قبض‌کننده یا بسط‌دهنده معارف قرآنی باشد. اما در صورتی که مبنای پژوهش، رویکرد اصالت قرآن و حدیث باشد، روایت می‌تواند اصل مدل به دست آمده را دست‌خوش تغییر قرار داده و هرگونه تغییری را در آن اعمال نماید. چون در چنین رویکردی، روایت، هم عرض قرآن دارای اصالت و حجیت است. حال نوبت به آن رسیده است که همانند روش تحقیق موضوعی در قرآن که الگویی گام به گام ارائه شد، به چگونگی تحقیق در حدیث پرداخته شود. مراحل انجام پژوهش در حدیث را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- احصای روایات با استفاده از کلیدواژه‌های بدست آمده؛

۲- شکل‌گیری مدل مفهومی از منظر روایات؛

۱. در خصوص تایید این مراحل و همین‌طور کل فرآیند روش نقل پژوهی معرفی شده که از تحقیق موضوعی در قرآن با رویکرد قرآن به قرآن شروع شده و به بررسی روایات با کیفیت ذکر شده می‌رسد، می‌توان به فرمایشی از آیت الله جوادی آملی اشاره کرد که به بیان نحوه تحقیق و پژوهش در نقل می‌پردازند: «ابتدا باید همه قرآن را به اندازه توانمان با یکدیگر بررسی و ارزیابی کنیم، زیرا برخی از آیات مفسر بعضی دیگر است: یفسر بعضه بعضاً. سپس بگوییم قرآن این محتوا را ارائه می‌هد. در رتبه بعد به سراغ روایات برویم و متشابهات آن را به محک‌ماتش ارجاع دهیم و روایات مخصص و مقید را در کنار عموم و اطلاق ببینیم و احیاناً اگر روایت معارضی وجود دارد با توجه به اخبار علاجیه تعارضات آن را علاج و رفع کنیم. در مرتبه سوم این روایات را به قرآن عرضه کنیم، زیرا بر طبق روایات مربوطه، قرآن میزان و معیار پذیرش روایات است و روایات مخالف کتاب الله باید طرد شوند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۳).

• ارجاع روایات متشابه به روایات محکم؛

• بررسی روایات مقید در کنار روایات عام؛

۳- عرضه مدل به دست آمده از روایات به قرآن؛

۴- اضافه کردن توضیحات مفاهیم و مصادیق به مدل قرآنی.

ممکن است در این جا این سؤال به ذهن برسد که این روش پژوهش به بارزترین تفاوت میان کتاب و حدیث که تأثیر زیادی در مواجهه محقق با آنها دارد توجهی نکرده است و آن موضوع سندیت حدیث است. قرآن کریم برخلاف حدیث، از قطعیت سند برخوردار است و بر اساس ادله عقلی و نقلی از تحریف مبرا است. اما در مورد روایات همواره بررسی سندی به عنوان یکی از ملزومات ورود مطرح بوده است تا جایی که علمی نظیر رجال برای پاسخ به این نیاز شکل گرفته- اند.

با توجه به این که بررسی سندی حدیث خود یک کار پیچیده و فنی است و نیازمند به فردی است که عمری را در این خصوص صرف مطالعه و بررسی کرده باشد، این سؤال مطرح می شود که محققان حوزه های علوم انسانی که قصد پژوهش در حدیث را دارند چگونه باید عمل کنند؟ با توجه به این که ممکن است محققان و پژوهشگران توانایی کار اجتهادی در مورد بررسی سندیت احادیث را نداشته باشند لذا پیشنهاد می شود که بر اساس مراحل زیر عمل کنند تا به نوعی جبران این ضعف گردد:

۱. با توجه به روش پژوهش ذکر شده در نقل، ابتدا مدل مفهومی از قرآن به دست آید.

۲. بر مبنای روش ذکر شده به طراحی مدل مفهومی از منظر روایات پرداخته شود.

۳. مدل به دست آمده از روایات بر مدل به دست آمده از قرآن عرضه شود. با توجه به رویکرد علامه طباطبایی در خصوص رابطه میان قرآن و حدیث، این روایات در صورتی که متعارض با قرآن نباشند دو حالت بیشتر نخواهند داشت:

• یا توضیح دهنده بیشتر همان مفاهیم هستند که در مدل قرآنی احصا شده است.

• یا بیان کننده برخی از مصادیق آیات قرآن هستند که این مصادیق بر اساس قاعده

جری و تطبیق منحصر به آنها نخواهد بود.

۴. در صورت تعارض با قرآن این روایات کنار گذاشته می شوند.

جمع بندی

در این نوشتار تلاش شد تا الگویی کاربردی برای تحقیقات میان رشته ای در قرآن کریم ارائه شود. عنوان این الگو، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن می باشد. اما قبل از آن به بیان برخی از مبانی اصلی نقل پژوهی پرداخته شد و مشخص گردید که حیطه نقل پژوهی، شامل موضوعاتی می شود که رویکرد صحیح محدود بودن دامنه نقل به معارف

هدایتی انسان است. هم‌چنین روشن شد که بر اساس دیدگاه اصالت قرآن و حجیت حدیث، دامنه نقل همان دامنه قرآن کریم بوده و حدیث شأنتی جز تفصیل اصول یا بیان مصداق نداشته و نمی‌تواند دامنه نقل که همان دامنه قرآن است را قبض و بسط دهد. هم‌چنین رابطه میان مسایل و موضوعات متعارف علوم انسانی و مسایل و موضوعات در حوزه علوم انسانی -اسلامی بررسی شد که رابطه میان این دو را می‌توان عموم و خصوص من وجه دانست. وجه غالب در حیطه مختص علوم انسانی -اسلامی، رویکرد نطق به متن است و در حیطه مشترک وجه اکثر را می‌توان رویکرد استنباطی دانست. هم‌چنین بیان شد که در حیطه مشترک بهتر است ذهن از معلومات متعارف انباشته شده و سپس با نقل مواجه گردد، اما در حیطه موضوعات مختص به علوم انسانی -اسلامی، انباشتگی ذهن توصیه نمی‌شود. در نهایت با این توضیحات روش تحقیق موضوعی به صورت عملیاتی و کاربردی در هشت مرحله پیشنهاد شد که در شکل زیر خلاصه‌ای از آن مشاهده می‌گردد.



شکل ۳. خلاصه مراحل روش پیشنهاد شده برای تحقیق موضوعی در قرآن کریم

منابع

قرآن کریم.

ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۰). جامعیت قرآن: پژوهشی استنادی و تحلیلی از مسئله جامعیت و قلمرو آن، رشت: کتاب مبین.

- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *هویت علم دینی: نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۰). *تاریخ تفسیر قرآن کریم*، تنظیم و ویرایش محمد جانی‌پور، تهران، انجمن علمی دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- توحیدلو، اکبر (۱۳۸۹). *جمله‌شناسی قرآن؛ با تکیه بر تقدیم و تأخیر عبارات*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۵). *فلسفه دین*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جلیلی، سیدهدایت (۱۳۸۷). *تفسیر موضوعی؛ چیستی، بنیان‌ها و پیش فرض‌ها*، قم: بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). *تفسیر تسنیم*، ج ۱، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *انتظار بشر از دین*، قم: اسراء.
- جوانعلی آذر، مرتضی (۱۳۸۹). *تبیین نگاه اسلام به سازمان در پرتو استعاره امانت*، راهنما: مصباح الهدی باقری کنی، مشاور: حسین سوزنچی، دانشگاه امام صادق (ع).
- حسنی، سیدحمیدرضا، پور مهدی، علی و موحدابطحی، سیدمحمد تقی (۱۳۸۵). *علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۰). *نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی*، *دوفصلنامه حدیث پژوهی*، سال ۳، شماره ۵، صص ۴۳-۶۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۶). *شیعه در اسلام*، چاپ بیست و یکم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علم الهدی، جمیله (۱۳۸۶). *درآمدی به مبانی اسلامی روش تحقیق*، *مجله نوآوری‌های آموزشی*، شماره ۲۱، صص ۱۷۳ تا ۲۰۲.
- فتحی، علی (۱۳۸۸). *مبانی قرآنی تفسیر قرآن به قرآن*، معرفت، سال ۱۸، شماره ۱۳۶، صص ۱۹-۳۵.
- لسانی فشارکی محمد علی و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۲). *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، قم: بوستان کتاب.
- لطیفی، میثم (۱۳۹۰). *روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر*، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال ۵، شماره ۱۰، صص ۲۵-۵۵.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۴). *پرسمان علوم قرآنی*، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.

مسعودی پور، سعید (۱۳۹۱). تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از منظر قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، راهنما: مصباح الهدی باقری، مشاور: مهدی سپهری، دانشگاه امام صادق (ع).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). احتیاط اصل روش شناختی دین پژوهی، تهیه و تحقیق: جواد عابدینی، نشریه پژوهش، سال ۱، شماره ۱، صص ۳۶-۹.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). گفتارهای معنوی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۸). پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، قم: انتشارات مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).

مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). رابطه قرآن و حدیث، مجله علوم حدیث، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۲۲-۲.

نجات بخش اصفهانی، علی و باقری، اکبر (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی روش شناسی تحقیق در مدیریت اسلامی در مقایسه با روش شناسی های تحقیق در علوم مدیریت رایج، مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۵، صص ۲۱۹ تا ۲۴۲.

نصیری، علی (۱۳۷۹). رابطه متقابل کتاب و سنت، مجله علوم حدیث، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۳۴-۷۷.

Thematic research methodology in the Holy Quran: the designing a practical method for interdisciplinary researches

Saeed Masoodipoor*: PHD student of marketing management, Department of business, Islamic Azad University Central Tehran Branch

Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 6, No. 1, March-September, 2016, pp-.....

Date of receiving the paper: 29. September 2015

Date of acceptance: 5. January 2016

Abstract

One of the gaps in the Islamic human sciences production is the lack of practical research methods that have reliable fundamentals. One of the important resources in Naghl-research in Interdisciplinary is holy Quran. So it is needful to explain methodology for researching in holy Quran. This research attempts to introduce thematic research method based on the interpretation of the Quran to Quran known as best approach in the Quran interpretation. First the fundamental of the method was explained and some related subject was presented such as the definition of religion, the relationship between reason and Naghl as components of religion, the relationship between Holy Quran and Sonnet as components of Naghl, the relationship between the problems in the Islamic Human Sciences and conventional Humanities and so on. One of neglect in Naghl-research is improper relationship between domain of Naghl and subjects for research. This makes that the issues which are outside the domain of Naghl survey in Naghl. Finally, some critical points for researching in Naghl were presented and a practical pattern with eight steps for thematic researching in Holy Quran was offered.

Keywords:the method of research; thematic research; contemplation on the Holy Quran; Quran to Quran interpretation; domain of Naghl

* **Corresponding Author:** masoodipoor@isu.ac.ir